

دو سرنوشت چین

(۲۳ آوریل ۱۹۴۵)

رفقا ! هفتمین کنگره کشوری حزب کمونیست چین امروز گشایش می‌یابد .

اهمیت خاص این کنگره در چیست ؟ در آن است که با سرنوشت خلق ۴۵۰ میلیون چین سروکار دارد . این را باید گفت . دو سرنوشت در برابر چین است : درباره یکی از آنها هم اکنون کتابی نوشته شده است (۱) ؛ کنگره ما سرنوشت دیگر چین را عرضه میدارد و ما نیز کتابی خواهیم نوشت (۲) . کنگره ما خواستار سرتگون ساختن اسپریالیسم ژاپن و نجات قاطبه خلق چین است . این کنگره‌ای است برای شکست تجاوزکاران ژاپنی و برای ساختمان چین نوین ، کنگره‌ای است برای وحدت قاطبه خلق چین و وحدت با تمام خلقهای جهان بمنظور پیروزی نهائی .

زمان بسیار مساعد است . در اروپا نزدیک است که هیتلر از پای در آید . صحنه عمده جنگ جهانی ضد فاشیستی در غرب است که در آنجا ساعت پیروزی در اثر مساعی ارتش سرخ شوروی فرا میرسد . هم

متن حاضر نطق افتتاحیه رفیق مائو تسه دون در هفتمین کنگره کشوری حزب کمونیست چین است .

اکنون صدای توپهای وی در برلن شنیده میشود که احتمالاً بزودی سقوط خواهد کرد . در شرق نیز جنگ برای نابود ساختن امپریالیسم ژاپن به پیروزی نزدیک میگردد . بنابراین کنگره ما در آستانه پیروزی نهائی جنگ ضد فاشیستی گرد آمده است .

دو راه در برابر خلق چین گشوده میشود : راه نور و راه ظلمت . دو سرنوشت در انتظار چین است : یکی تابناک و دیگری تیره و تار . امپریالیسم ژاپن هنوز مغلوب نشده است . ولی حتی پس از شکست وی نیز این دو دورنمای آینده گشوده خواهند ماند . یا چین مستقل ، آزاد ، دموکراتیک ، متحد ، نیرومند و آبادان ، یعنی چین تابناک ، چین نوین خلقی از بند رسته ؛ یا چین دیگر ، نیمه مستعمره و نیمه فئودال ، پراکنده ، ناتوان و تهیدست ، یعنی چین کهن . چین نوین یا چین کهن ، اینست آن دو دورنمایی که به خلق چین ، به حزب کمونیست چین و به کنگره کنونی ما عرضه میشود .

حالا که ژاپن هنوز مغلوب نشده است ، حالا که این دو دورنما حتی پس از شکست وی نیز گشوده خواهند ماند ما چگونه باید کار کنیم ؟ وظیفه ما چیست ؟ یگانه وظیفه ما آن است که توده ها را مشهورانه بسیج کنیم ، نیروهای خلق را بسط و توسعه دهیم ، کلیه انرژی های ملت را که ممکن است متحد شوند متحد سازیم تا آنکه تحت رهبری حزب ما برای غلبه بر تجاوزکاران ژاپنی ، برای ساختمان چین نوین و تابناک ، چین مستقل ، آزاد ، دموکراتیک ، متحد ، نیرومند و آبادان مبارزه کنند . ما باید با تمام قوا بخاطر آینده ای درخشان ، سرنوشتی تابناک ، و بر ضد آینده ای تیره و تار ، بر ضد سرنوشتی ظلمانی مبارزه کنیم . اینست تنها و یگانه وظیفه ما ! اینست وظیفه کنگره ما ، همه حزب ما

و همه خلق چین .

آیا ممکن است امیدهای ما برآورده شود ؟ بعقیده ما ممکن است .
این امکان وجود دارد زیرا که هم‌اکنون ما از چهار شرط زیرین
بر خورداریم :

۱ - حزب نیرومند کمونیست چین که از تجربه توانگر است و
۱,۲۱۰,۰۰۰ عضو دارد .

۲ - مناطق آزاد شده نیرومند با ۹۵,۰۰۰,۰۰۰ نفر از اهالی ، با
ارتشی مرکب از ۹۱۰,۰۰۰ نفر و با ۲,۲۰۰,۰۰۰ نفر چریک توده‌ای .

۳ - پشتیبانی توده‌های وسیع سراسر کشور .

۴ - پشتیبانی خلقهای سراسر جهان و بویژه اتحاد شوروی .

آیا با گرد آمدن این شرایط - حزب نیرومند کمونیست چین ،
مناطق آزاد شده نیرومند ، پشتیبانی قاطبه خلق و پشتیبانی خلقهای جهان -
امیدهای ما ممکن است برآورده شود ؟ بعقیده ما ممکن است . در گذشته
هیچگاه چین چنین شرایطی بخود ندیده است . البته شرایط مذکور تا
حدودی از سالها پیش وجود داشته ولی هیچگاه مانند امروز تمام و کمال
بظهور نرسیده است . هرگز حزب کمونیست چین باین اندازه نیرو نداشته
است ، اهالی و ارتش پایگاههای انقلابی باین اندازه مهم نبوده‌اند ،
هیچگاه حیثیت حزب کمونیست چین در نزد اهالی مناطق اشغالی ژاپنی‌ها
و مناطق زیر سلطه گوسیندان باین اندازه زیاد نبوده است ، در عین حال
نیروهای انقلابی که اتحاد شوروی و خلقهای سایر ممالک نماینده آنها
هستند بیش از همیشه است . پس میتوان تأیید کرد که غلبه بر متجاوزین
و ساختمان چین نوین با استفاده از چنین شرایط کاملاً ممکن است .

ما باید سیاستی صحیح داشته باشیم که عنصر اساسیش عبارتست

از بسیج متهورانه توده‌ها و بسط و توسعه نیروهای خلق تا آنکه تحت رهبری حزب ما متجاوزین را درهم شکنند و چین نوینی بسازند .

حزب کمونیست چین در طی بیست و چهار سال حیات خود ، یعنی پس از تأسیس وی در ۱۹۲۱ ، از سه دوره تاریخی مبارزات قهرمانانه گذشته است : لشگرکشی بشمال ، جنگ انقلاب ارضی و جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، و تجارب فراوان بدست آورده است . امروز حزب ما بصورت مرکز ثقل خلق چین در مبارزه برضد ژاپن و بغاطر نجات میهن ، مرکز ثقل خلق چین در مبارزه برای آزادی ، برای پیروزی بر متجاوزین و برای ساختمان چین نوین درآمده است . مرکز ثقل چین همینجاست که ما هستیم ، جای دیگر نیست .

ما باید فروتن و محتاط باشیم ، از هر گونه تکبر و از هر گونه شتابزدگی پرهیزیم ، به خلق چین از جان و دل خدمت کنیم تا آنکه او را برای غلبه بر تجاوزکاران ژاپنی در زمان حال و برای ساختمان دولت دموکراسی نوین در زمان آینده متحد سازیم . اگر ما بتوانیم چنین کنیم ، اگر ما سیاستی صحیح داشته باشیم ، اگر ما مساعی خویش را درهم آمیزیم وظیفه خود را مسلماً انجام خواهیم داد .

مرده باد امپریالیسم ژاپن !

زنده باد آزادی خلق چین !

زنده باد حزب کمونیست چین !

زنده باد هفتمین کنگره کشوری حزب کمونیست چین !

یادداشتها

۱ - اشاره است به کتاب چانکایشک موسوم به « سرنوشت چین » ، چاپ

۱۹۴۳ .

۳ - اشاره است به گزارش « درباره دولت ائتلافی » که رفیق مائو تسه دون در صدد بود بهمان کنگره بدهد .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

در باره دولت ائتلافی

(۲۴ آوریل ۱۹۴۵)

۱ - خواستهای اساسی خلق چین

کنگره ما در اوضاع و احوال زیر تشکیل شده است : پس از تقریباً هشت سال مبارزه مصممانه ، قهرمانانه و غلبه‌ناپذیر خلق چین ، مبارزه‌ای سرشار از قربانیهای بیشمار و همراه با مشکلات پیسابقه علیه مهاجمین ژاپنی ، وضع تازه‌ای پدید شده‌است - در جنگ عادلانه و مقدسی که در سراسر جهان علیه متجاوزین فاشیست جریان دارد پیروزی قطعی بدست آمده‌است و آن زمان دور نیست که خلق چین همراه با کشورهای متفق بر متجاوزین ژاپنی پیروز گردد . اما چین هنوز وحدت خود را باز نیافته و با بحران شدیدی روبرو است . در چنین اوضاع و احوالی چه باید کرد ؟ بدون شك چین بیک دولت ائتلافی دموکراتیک سوقت نیاز مبرم دارد ، دولتی که از راه اتحاد نمایندگان کلیه احزاب و گروههای سیاسی و مردم غیرحزبی تشکیل میشود تا به رفورم‌های دموکراتیک دست زند ، بر بحران کنونی فائق آید و تمام نیروهای ضد ژاپنی را در سراسر کشور بسیج کند و متحد سازد باین

متن حاضر گزارش سیاسی رفیق مائو تسه دون به هفتمین کنگره کشوری حزب کمونیست چین است .

منظور که این نیروها با همکاری مؤثر با کشورهای متفق برای پیروزی بر تجاوزکاران ژاپنی بجنگند و بدین ترتیب به خلق چین امکان داده شود که خود را از چنگال این تجاوزکاران برهاند. پس از آن لازم است براساس دموکراسی وسیع، یک مجلس ملی دعوت شود، یک دولت دموکراتیک قانونی ایجاد گردد که در ماهیت خود باز هم یک دولت ائتلافی خواهد بود و بطور وسیع تری نمایندگان تمام احزاب و گروه‌های سیاسی و مردم غیرحزبی را دربر خواهد گرفت. این دولت، خلق از بندرسته را در سراسر کشور رهنمون خواهد شد تا به ساختمان چین نو، مستقل، آزاد، دموکراتیک، متحد، شکوفان و نیرومند پردازد. بطور خلاصه ما باید خط مشی وحدت و دموکراسی را اتخاذ کنیم، بر تجاوزکاران پیروز گردیم و یک چین نو بسازیم.

ما بر این عقیده‌ایم که فقط اینها میتواند مبین خواسته‌های اساسی خلق چین باشد. بهمین جهت گزارش من بطور عمده به این مسائل خواهد پرداخت. تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی یا عدم تشکیل آن موضوعی است که خلق چین و افکار عمومی دموکراتیک را در کشورهای متفق عمیقاً بخود مشغول میدارد. بهمین جهت من در گزارش خود بویژه کوشش خواهم کرد این مسئله را روشن سازم.

حزب کمونیست چین طی هشت سال جنگ مقاومت ضد ژاپنی بر مشکلات بسیاری فائق آمده و به کامیابیهای بزرگی دست یافته است، اما در شرایط حاضر حزب ما و خلق ما هنوز با مشکلات جدی روبرو است. وضع کنونی ایجاب میکند که حزب ما باز هم با شدت و استحکام بیشتری کار کند و غلبه بر مشکلات را همچنان ادامه دهد و بکوشد به خواسته‌های اساسی خلق چین تحقق بخشد.

۲ - وضع بین‌المللی و داخلی

آیا خلق چین میتواند این خواسته‌های اساسی را بواقعیت مبدل سازد ؟ این امر وابسته به سطح آگاهی سیاسی ، وحدت و مساعی وی است . در عین حال وضع کنونی بین‌المللی و داخلی شرایط بسیار مساعدی برای خلق چین فراهم آورده‌است . چنانچه وی بتواند از این شرایط بدرستی استفاده کند و جنگ را با قاطعیت و با شدت و استقامت دنبال نماید ، بدون شك بر تجاوزکاران پیروز خواهد شد و چین نوی بنا خواهد کرد . خلق چین باید در این مبارزه بر مساعی خود یفزاید تا وظایف مقدس خود را به انجام برساند .

وضع کنونی بین‌المللی چگونه است ؟

وضع کنونی نظامی از اینقرار است که ارتش شوروی حمله به برلن را آغاز کرده و نیروهای متفق انگلیس و آمریکا و فرانسه ، هم آهنگ با این حمله ، بقایای سپاهیان هیتلری را مورد تعرض قرار داده‌اند ، و خلق ایتالیا به قیام برخاسته‌است . اینها همه هیتلر را یکبار برای همیشه نابود خواهد کرد . پس از آنکه هیتلر نابود گردید شکست تجاوزکاران ژاپنی چندان بطول نخواهد انجامید . بر خلاف پیشگوئی‌های مرتجعین چینی و خارجی ، نیروهای تجاوزکار فاشیست بدون تردید شکست خواهند خورد و نیروهای دموکراتیک خلق بدون تردید پیروز خواهند شد . جهان بی‌چون و چرا راه ترقی را در پیش خواهد گرفت و نه راه ارتجاع را . البته ما باید بسیار هوشیار باشیم و امکان پاره‌ای فراز و نشیب‌ها و پیچ و خم‌های موقتی یا حتی جدی را در جریان حوادث از نظر فرو نگذاریم ؛ در بسیاری از کشورها هنوز نیروهای

ارتجاعی پرتوانی وجود دارد که از وحدت ، ترقی و آزادی خلق کشور خود و خلقهای کشورهای دیگر جلو میگیرند . هر آن کس که چشم خود را بر این امکان به بندد ، مرتکب اشتباهات سیاسی خواهد شد . معذک گرایش عمومی تاریخ از هم اکنون با وضوح تمام معین است و تغییر نخواهد پذیرفت . این وضع فقط برای فاشیست‌ها و برای مرتجعین تمام کشورها که در واقع همکار فاشیست‌ها هستند نامطلوب است ، اما برای خلق و برای نیروهای دموکراتیک متشکل در تمام کشورها اسیدبخش است . خلق و فقط خلق است نیروی محرك و آفریننده تاریخ جهان . خلق شوروی قدرت عظیمی کسب کرده و در شکست فاشیسم به نیروی عمده مبدل گردیده است . کوشش‌های وی است که همراه با مساعی خلق‌ها در سایر کشورهای متفق ضد فاشیست نابودی فاشیسم را میسر ساخته است . جنگ به خلق آموخته است و خلق است که در جنگ پیروز خواهد گردید و به صلح و ترقی نایل خواهد آمد .

این وضع جدید با وضعی که در نخستین جنگ جهانی وجود داشت تفاوت بسیار دارد . در آنموقع اتحاد شوروی هنوز پدید نیامده بود و خلق‌ها آن آگاهی سیاسی را که امروز در بسیاری از کشورها دارند نداشتند . دو جنگ جهانی بین دو دوران کاملاً متفاوت است .

این به آن معنی نیست که پس از شکست کشورهای تجاوزکار فاشیست ، پس از خاتمه جنگ دوم جهانی و برقراری صلح بین‌المللی دیگر مبارزه پایان خواهد رسید . نیروهای باقیمانده فاشیسم که هنوز بطور وسیعی پراکنده‌اند مسلماً به ایجاد اغتشاش ادامه خواهند داد ، در درون اردوئی که هم اکنون علیه تجاوز فاشیسم می‌جنگد نیروهائی یافت میشوند که با دموکراسی مخالفت می‌ورزند و به ملت‌های دیگر

ستم روا میدارند ، و آنها ستم به خلقها را در کشورهای مختلف ، در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره ادامه خواهند داد . از اینرو پس از آنکه صلح بین المللی برقرار گردید ، هنوز در بخش بزرگی از جهان مبارزات بسیاری میان توده های ضد فاشیست و بقایای فاشیسم ، میان دموکراسی و ضد دموکراسی ، میان آزادی ملی و ستم ملی در خواهد گرفت . خلق ها زمانی به بزرگترین پیروزی نائل خواهند آمد که در سایه کوشش های طولانی و مداوم ، نیروهای باقیمانده فاشیسم ، نیروهای ضد دموکراتیک و همه نیروهای امپریالیستی را از پای در آورند . یقین است که فرا رسیدن چنین روزی خیلی سریع و آسان نیست ، ولی مسلماً آن روز فرا خواهد رسید . پیروزی در دومین جنگ جهانی ضد فاشیستی راه را برای پیروزی مبارزات خلق ها در دوران پس از جنگ هموار خواهد ساخت . صلح استوار و پایدار موقعی دست خواهد داد که این مبارزات به پیروزی بیانجامند .

وضع کنونی داخلی چگونه است ؟

خلق چین طی جنگ طولانی ، قربانی های فراوانی داده و از این پس نیز خواهد داد ، ولی در عین حال این جنگ وی را آبدیده کرده است . این جنگ خلق چین را به مراتب بیشتر از کلیه مبارزات عظیم صد ساله اخیرش بیدار و متحد ساخته است . خلق چین نه تنها در برابر دشمن ملی نیرومندی قرار دارد ، بلکه در داخل با نیروهای ارتجاعی بزرگی روبرو است که در واقع بدشمن ملت کمک می رسانند ؛ این يك طرف مسئله است . طرف دیگر آن اینکه خلق چین نه تنها بیش از هر زمان دیگر آگاهی سیاسی کسب کرده بلکه مناطق آزاد شده نیرومند و جنبش دموکراتیکی در مقیاس ملی ایجاد نموده که روز بروز رشد می یابد . اینها

شرایط داخلی مساعدی است . اگر خلق چین طی مبارزات صد سال اخیر بر اثر فقدان پاره‌ای شرایط لازم بین‌المللی و داخلی گرفتار شکست‌ها و عقب‌نشینی‌ها شد ، امروز وضع طور دیگر است ، با مقایسه با گذشته این بار تمام شرایط لازم وجود دارد . همه گونه امکان احتراز از شکست و نیل به پیروزی فراهم است . هرگاه ما بتوانیم قاطبه خلق را بخاطر مبارزه قطعی متحد سازیم و بدرستی رهنمون گردیم پیروزی از آن ما خواهد بود .

خلق چین اکنون ایمان راسخ دارد به اینکه می‌تواند در سایه اتحاد ، تجاوزکاران را شکست دهد و چین نوی بسازد . آن موقع فرا رسیده است که خلق چین بر همه مشکلات فائق آید و به خواسته‌های اساسی خود ، به آرمانهای تاریخی بزرگ خود دست یابد . آیا در این باره می‌توان تردیدی بخود راه داد ؟ بنظر من نمیتوان .

چنین است وضع عمومی بین‌المللی و داخلی در حال حاضر .

۳ - دو خط‌مشی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

کلید مسائل چین

هنگامی که از وضع داخلی صحبت میکنیم باید تحلیل مشخصی نیز از جنگ مقاومت چین بدست داد .

چین یکی از پنج کشور بزرگ جهان است که در جنگ علیه فاشیسم شرکت جسته و در جنگ علیه تجاوزکاران ژاپنی در قاره آسیا کشور عمده است . خلق چین نه فقط در جنگ مقاومت ضد ژاپنی نقش بسیار بزرگی بازی کرده ، بلکه در حفظ صلح در دنیای پس از جنگ نقش بسیار

بزرگی بازی خواهد کرد و نیز در حفظ صلح در خاور نقش قاطعی ایفا خواهد نمود . چین برای رهایی خویش و به خاطر کمک به کشورهای متفق ، در طول هشت سال جنگ مقاومت ، کوشش های عظیمی بکار برده است . این کوشش ها در درجه اول از جانب خلق چین بعمل آمد . تعداد وسیعی از افسران و نفرات ارتش چین در جبهه جنگیدند و خون خود را نثار کردند ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران و صاحبان صنایع چین در پشت جبهه بکار توان فرسائی اشتغال داشتند ؛ چینی های ماوراء بحار برای پشتیبانی از جنگ اعاناتی پرداختند ؛ کلیه احزاب سیاسی ضد ژاپنی به استثنای آن عده از اعضای آنها که با خلق خصومت میورزیدند سهم خود را در جنگ ایفا نمودند . بطور خلاصه خلق چین با خون و عرق خویش هشت سال طولانی با ستجاوزان ژاپنی قهرمانانه جنگید . اما مرتجعین چینی برای آنکه جهانیان به حقیقت نقش خلق چین در جنگ وقوف نیابند سالهای متمادی شایعاتی پراکندند و افکار عمومی را مشوب ساختند . بعلاوه از تجارب مختلفی که چین ظرف این هشت سال جنگ بدست آورده هنوز جمع بندی جاسعی بعمل نیامده است . از اینرو این کنگره باید همه این تجارب را بدرستی جمع بندی کند تا به خلق بیاموزد و برای سیاست حزب پایه و اساسی بدست دهد .

اما در مورد جمع بندی تجارب ، برای همگان روشن است که در چین دو شی رهبری مختلف وجود دارد . یکی از آن دو به شکست تجاوزکاران ژاپنی میانجامد در حالی که دیگری نه فقط شکست آنها را غیرممکن میسازد ، بلکه از پاره ای جهات نیز واقعاً به آنها کمک میکند و راه را بر جنگ مقاومت میبندد .

سیاست دولت گوسیندان مبنی بر مقاومت پاسیف در برابر ژاپن

و سیاست داخلی ارتجاعی آن مبنی بر سرکوب فعالانه خلق ، جز شکستهای نظامی ، از دست رفتن سرزمینهای وسیع ، بحران مالی و اقتصادی ، ستم نسبت به خلق ، محرومیت خلق و شکاف در وحدت ملی نتیجه‌ای بیار نیاورد . این سیاست‌های ارتجاعی مانع بسیج و اتحاد همه نیروهای ضد ژاپنی خلق چین بخاطر ادامه مؤثر جنگ بود و از بیداری و وحدت خلق چین جلو گرفت . معذک این آگاهی سیاسی و این وحدت هرگز از تکامل نایستاد و تحت فشار دوگانه تجاوزکاران ژاپنی و دولت گومیندیان حرکت خود را بجلو در مسیری پرپیچ و خم همچنان ادامه داد . واضعتر بگوئیم در چین دو خط مشی برای مدتی طولانی در برابر یکدیگر قرار داشتند : خط مشی دولت گومیندیان مبتنی بر سرکوب خلق و مقاومت پسیف و خط مشی خلق چین مبتنی بر تقویت آگاهی و وحدت خویش بخاطر جنگ توده‌ای . کلید تمام مسائل چین در همین جا است .

تاریخ مسیر پر پیچ و خمی را میپیماید

برای کمک بمردم در درک این مسئله که چرا وجود دو خط مشی کلید همه مسائل چین است لازم است تاریخ جنگ مقاومت ضد ژاپنی را ترسیم کنیم .

جنگ مقاومت خلق چین مسیر پر پیچ و خمی را دنبال کرده‌است . این جنگ از ۱۹۳۱ آغاز گردید . در ۱۸ سپتامبر این سال تجاوزکاران ژاپنی شن یان را اشغال کردند و ظرف فقط چند ماه سه استان شمال شرقی را بتصرف درآوردند . دولت گومیندیان سیاستی مبتنی بر عدم مقاومت در پیش گرفت . اما بر خلاف میل دولت گومیندیان ، مردم و بخش میهن پرست سپاهیان این استان‌ها زیر رهبری حزب کمونیست چین

و یا به کمک آن واحدهای داوطلبان ضد ژاپنی را متشکل ساختند و ارتش متفق ضد ژاپنی را تشکیل دادند و قهرمانانه بجنگ‌های پارتیزانی دست زدند . این جنگ قهرمانانه پارتیزانی زبانی داسنه وسیعی بخود گرفت و علی رغم مشکلات و ناکامی‌های فراوان ، دشمن هرگز نتوانست آنها را از پای در آورد . هنگامی که تجاوزکاران ژاپنی در ۱۹۳۲ به شانگهای حمله بردند گروهی از میهن پرستان گویندگان باز هم برخلاف میل دولت گویندگان عمل کردند و در رأس ارتش نوزدهم در برابر تجاوزکاران ژاپنی به مقاومت پرداختند . در ۱۹۳۳ تجاوزکاران ژاپنی باستانهای ژه هه و چاهار حمله ور شدند و برای سومین بار گروهی از میهن پرستان در داخل گویندگان علی رغم میل دولت گویندگان با حزب کمونیست در تشکیل ارتش متحد ضد ژاپنی بمنظور مقاومت در برابر دشمن همکاری کردند . این عملیات جنگی علیه ژاپن ، همه از جانب خلق چین ، حزب کمونیست و گروه‌های دموکراتیک دیگر و چینی‌های میهن پرست ماوراء بحار پشتیبانی میشد ، حال آنکه دولت گویندگان با سیاست عدم مقاومت خود کوچکترین شرکتی در آنها نداشت . برعکس، عملیات ضد ژاپنی در شانگهای و چاهار هر دو توسط خود دولت گویندگان بناکامی کشانیده شد . در ۱۹۳۳ دولت گویندگان ، حکومت خلق را که در فوجیان توسط ارتش نوزدهم مستقر گردیده بود برانداخت . چرا دولت گویندگان در آنزمان سیاست عدم مقاومت را اختیار کرد؟ دلیل عمده آن این بود که وی همکاری گویندگان و حزب کمونیست و وحدت خلق چین را در ۱۹۲۷ برهم زد .

در ۱۹۲۴ دکتر سون یاتسن با قبول پیشنهادات حزب کمونیست چین ، نخستین کنگره ملی گویندگان را که در آن کمونیستها شرکت داشتند

دعوت کرد ، سه اصل سیاسی اساسی اتحاد با روسیه ، همکاری با حزب کمونیست و پشتیبانی از دهقانان و کارگران را تدوین نمود ، آکادمی نظامی حوان پو را تأسیس کرد و جبهه متحد ملی را مرکب از گویندگان ، حزب کمونیست و همه قشرهای خلق تشکیل داد . نتیجه آن این شد که نیروهای ارتجاعی استان گوان دون در ۱۹۲۴ - ۱۹۲۵ نابود گردیدند ، لشگرکشی پیروزمند بشمال در جریان ۱۹۲۶ - ۱۹۲۷ انجام گرفت ، اغلب مناطقی که در امتداد رودخانه یان تسه و رودخانه زرد قرار داشت اشغال گردید ، حکومت دیکتاتوری شمال شکست خورد و مبارزه خلق برای آزادی بمقیاسی که هرگز در تاریخ چین سابقه نداشت گسترش یافت . لکن در جریان پیشرفت لشگرکشی به شمال ، در يك لحظه بحرانی در اواخر بهار و اوایل تابستان ۱۹۲۷ سیاست خائنانه و ارتجاعی مقامات گویندگان که مظهر آن "تصفیه حزب" و ترور خونین بود این جبهه متحد ملی - جبهه متحد مرکب از گویندگان ، حزب کمونیست و همه قشرهای مردم که تجسم آرمان آزادی خلق چین بود - و سیاستهای انقلابی آنها برهم زد . متحدین دیروز یعنی حزب کمونیست چین و خلق چین اکنون بمثابة دشمن تلقی شدند ، دشمنان دیروز یعنی امپریالیستها و فئودالها بمثابة متحد تلقی گردیدند . سپس اتفاق افتاد حزب کمونیست چین و خلق چین خائنانه مورد حمله ناگهانی قرار گرفتند و انقلاب بزرگ پر از تحرك و پرتوان به شکست کشانیده شد . از آن پس وحدت جای خود را به جنگ داخلی داد ، دیکتاتوری جای دموکراسی نشست و چین تیره و تار جانشین چین تائیناک گردید . اما حزب کمونیست چین و خلق چین نه بهراس افتادند ، نه به انقیاد گردن نهادند ، نه نابود گردیدند ، بلکه از نو پیا خاستند ، خونها را پاک

کردند ، رفقای شهید را بخاک سپردند و نبرد را از سر گرفتند . با افراشته نگهداشتن درفش بزرگ انقلاب آنها به مقاومت مسلح برخاستند و در سرزمینهای وسیعی از چین حکومتهای خلق بر پا کردند ، به اصلاحات ارضی دست زدند ، ارتش توده‌ای یعنی ارتش سرخ چین را بوجود آوردند ، نیروهای انقلابی خلق چین را حفظ کردند و توسعه بخشیدند . خلق چین ، حزب کمونیست چین و دموکراتهای دیگر سه اصل انقلابی خلق را که دکتر سون یاتسن تدوین کرده بود و مرتجعین گویندگان آنرا نفی کرده بودند به پیش بردند .

پس از هجوم تجاوزکاران ژاپنی به سه استان شمال شرقی ، حزب کمونیست چین در ۱۹۳۳ به همه نیروهای گویندگان که در آنموقع پایگاه‌های انقلابی و ارتش سرخ را مورد حمله قرار میدادند پیشنهاد کرد که برای تسهیل مقاومت مشترک در برابر ژاپن موافقت‌نامه‌ای درباره آتش بس منعقد شود ؛ این پیشنهاد مشروط به سه شرط بود : حملات متوقف گردد ، به خلق حقوق دموکراتیک اعطا شود و خلق مسلح گردد . اما مقامات گویندگان این پیشنهاد را رد کردند . از آن پس سیاست دولت گویندگان مبتنی بر جنگ داخلی بیش از پیش تشدید گردید و حال آنکه صدای خلق چین بخاطر خواستهای خود دایره به پایان دادن به جنگ داخلی و مقاومت مشترک در برابر ژاپن با نیروی روزافزونی طنین‌انداز شد . در شانگهای و بسیاری نقاط دیگر انواع سازمانهای توده‌ای میهن پرستانه تشکیل گردید . در فاصله میان ۱۹۳۴ و ۱۹۳۶ نیروهای عمده ارتش سرخ در شمال و جنوب رودخانه یان تسه در زیر رهبری کمیته مرکزی حزب با مشکلات بیسابقه‌ای را از سر گذراندند و بسوی شمال غربی چین رهسپار شدند و بواحدهای

ارتش سرخ آن منطقه پیوستند . طی همین دو سال بود که حزب کمونیست چین خط مشی سیاسی نوین و جامعی متناسب با وضع جدید تصویب کرد و بمورد اجرا گذاشت یعنی خط مشی جبهه متحد ملی ضد ژاپنی با مقاومت مشترک در برابر ژاپن و برقراری جمهوری دموکراسی نوین بمثابة هدف سباززه . در ۹ دسامبر ۱۹۳۵ توده‌های دانشجو در بی پین ، زیر رهبری حزب ما جنبش میهنی قهرمانانه‌ای پدید آوردند ، سپاه پیشاهنگ آزادی ملی چین (۱) را تشکیل دادند و این جنبش را به تمام شهرهای بزرگ در چین گسترش بخشیدند . ۱۲ دسامبر ۱۹۳۶ دو گروه میهن پرست از گویندیان یعنی ارتش شمال شرقی و ارتش هفدهم که موافق مقاومت در برابر ژاپن بودند باتفاق یکدیگر دلیرانه علیه سیاست ارتجاعی مقامات گویندیان دائر به سازش با ژاپن و کشتار مردم در داخل کشور برخاستند و حادثه مشهور سی ان را بوجود آوردند . در درون گویندیان میهن پرستان دیگری نیز از سیاست مقامات گویندیان ناراضی بودند . اینها بود آن اوضاع و احوالی که مقامات گویندیان را واداشت که از سیاست جنگ داخلی دست بردارند و به خواستهای خلق تن در دهند . حل مسالمت آمیز حادثه سی ان به نقطه چرخشی تبدیل گردید ؛ در اوضاع و احوال جدید همکاری داخلی شکل گرفت و جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمقیاس ملی آغاز گردید . در مه ۱۹۳۷ کمی پیش از حادثه لوگوچیاو حزب ما کنفرانس ملی تاریخی خود را دعوت کرد و در آن خط مشی سیاسی جدید که کمیته مرکزی حزب از ۱۹۳۵ آنرا تعقیب مینمود بتصویب رسید .

از حادثه لوگوچیاو که در ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ روی داد تا سقوط اوهان در اکتبر ۱۹۳۸ دولت گویندیان در جنگ علیه ژاپن نسبتاً

فعال بود. در این دوران حملات پرمایه ژاپن و خشم و انزجار میهن پرستانه و روزافزون تمام خلق دولت گومیندان را مجبور ساخت که مقاومت در برابر متجاوزین ژاپنی را در مرکز ثقل سیاست خویش قرار دهد و این خود موجب تسهیل اعتلاء مبارزه تمام ارتش و خلق علیه ژاپن گردیده و برای مدتی محیط جدید و پرفعالیتی بوجود آورد. در آنزمان قاطبه خلق و از آنجمله کمونیستها و دموکراتهای دیگر بطور جدی امید داشتند که دولت گومیندان فرصت را غنیمت شمرد و در این هنگام که ملت در مخاطره و خلق سرشار از شور و شوق بود به اصلاحات دموکراتیک دست زند و سه اصل انقلابی خلق که دکتر سون یاتسن آنرا تدوین کرده بود بمورد عمل گذارد. اما امیدهای آنها نقش بر آب شد. مقامات گومیندان حتی در آن دو سالی که مقاومت نسبتاً فعال ابراز میداشتند به مخالفت خود با بسیج توده‌ها برای جنگ توده‌ای ادامه دادند و در برابر کوشش‌های خود بخودی خلق بخاطر اتحاد و اقدام به عمل ضد ژاپنی و دموکراتیک محدودیت‌هایی ایجاد کردند. در همان موقع که دولت گومیندان روش پیشین خود را نسبت بحزب کمونیست چین و احزاب و گروههای سیاسی ضد ژاپنی دیگر تا حدودی تغییر داده بود، معذک هنوز برای آنها حقوق مساوی قائل نبود و از طرق مختلف فعالیت آنها را محدود میساخت. زندانیان سیاسی میهن پرست هنوز به تعداد زیادی در بند بودند. سهمتر از همه، دولت گومیندان آن دیکتاتوری الیگارشسی را که پس از آغاز جنگ داخلی در ۱۹۲۷ برقرار کرده بود همچنان حفظ میکرد و بنابر این استقرار يك دولت ائتلافی دموکراتیک که مبین اراده ملت باشد اسکان نداشت.

از همان آغاز این دوره ما کمونیستها خاطر نشان ساختیم که برای

جنگ مقاومت ضد ژاپنی چین دو خط مشی وجود دارد : یکی جنگ همگانی که خلق در آن شرکت میجوید و به پیروزی میانجامد و دیگری جنگ محدود که در آن خلق در زیر ستم و فشار باقی میماند و به شکست منجر میگردد . ما همچنین خاطر نشان ساختیم که جنگ طولانی خواهد بود و ناگزیر موانع و مشکلاتی بر سر راه خواهد داشت ، اما خلق چین بر اثر سماعی خود مطمئن است که پیروزی نهائی از آن وی خواهد بود .

جنگ توده‌ای

طی همین دوره نیروهای عمده ارتش سرخ چین برهبری حزب کمونیست چین که بشمال غربی منتقل شده بودند ، بصورت ارتش هشتم ارتش انقلابی ملی چین ، و واحدهای پارتیزانی ارتش سرخ چین که در نقاط مختلف دو طرف رودخانه یان تسه مانده بودند ، بصورت ارتش چهارم جدید ارتش انقلابی ملی چین تجدید سازمان یافتند . این ارتشها یکی بعد از دیگری بترتیب برای نبرد با دشمن به چین شمالی و چین مرکزی اعزام گردیدند . در دوره جنگ داخلی ، ارتش سرخ چین که سنتهای دموکراتیک آکادمی نظامی حوان پو و ارتش انقلابی ملی زمان لشگرکشی بشمال را حفظ کرده و توسعه داده بود ، تعداد نفراتش زمانی به چند صد هزار نفر رسید . ولی تعداد نفرات این ارتش در آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی در اثر سرکوبی وحشیانه‌ایکه توسط دولت گومیندان در مناطق پایگاهی جنوب صورت گرفت و در اثر تلفاتی که طی راهپیمائی طولانی بر ارتش سرخ وارد آمد و در اثر علل دیگر ، به کمی بیش از چند ده هزار نفر تقلیل یافت . در نتیجه ، بعضی‌ها باین ارتش

بدیده حقارت مینگریستند و عقیده داشتند که برای مقاومت علیه ژاپن باید بطور عمده به گومیندان تکیه کرد . اما خلق بهترین داور است . خلق میدانست که ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید ، اگر چه در اینموقع تعداد نفراتشان قلیل است ، ولی کیفیتی عالی دارند ؛ و فقط آنها قادرند که جنگ توده‌ای واقعی را از پیش ببرند و همینکه به جبهه مقاومت ضد ژاپنی بروند و با توده‌های وسیع محلی در آمیزند ، دورنمای بیکرانی در برابر خویش خواهند داشت . و خلق برحق بود . زیرا هم اکنون که من این گزارش را تقدیم میدارم ، ارتش ما به ۹۱۰,۰۰۰ نفر رسیده و دستجات چریک توده‌ای بدون آنکه اشتغالات عادی خویش را رها کنند ، متجاوز از ۲,۲۰۰,۰۰۰ نفر میشوند . با آنکه ارتش منظم ما از حیث تعداد از ارتش گومیندان (با حساب کردن ارتش مرکزی و نیروهای محلی گومیندان) خیلی ضعیفتر است ، اگر در نظر بگیریم که ارتش ما با چه تعدادی از سربازان ارتش ژاپن و سربازان پوشالی نبرد میکند و جبهه‌های جنگش دارای چه مساحتی میباشند ، اگر بقدرت رزمی این ارتش بیندیشیم ، اگر کمک‌هایی را که توده‌های وسیع خلق در موقع عملیات نظامی باین ارتش میدهند ، بحساب آوریم ، اگر کیفیت سیاسی ، وحدت و یکپارچگی درونی وی را در مد نظر قرار دهیم ، خواهیم دید که این ارتش در جنگ مقاومت ضد ژاپنی چین دیگر بصورت نیروی عمده درآمده است .

این ارتش باین دلیل نیرومند است که اعضای آن از انضباطی آگاهانه پیروی میکنند ؛ آنان نه بخاطر منافع شخصی مشتی از افراد و یا گروهی اندک ، بلکه بخاطر منافع توده‌های وسیع مردم ، بخاطر منافع قاطبه ملت بگرد هم جمع گشته و پیکار میکنند . بطور استوار در جانب

خلق چین ایستادن و از جان و دل بخلق چین خدمت کردن — چنین است یگانه هدف این ارتش .

این ارتش که چنین هدفی در پیش دارد ، دارای روحیه‌ای تسلط‌ناپذیر است و مصمم است بر تمام دشمنان غلبه کند و هرگز با تقیاد تن ندهد . علیرغم تمام سختی‌ها و دشواریها حتی اگر يك فرد هم از این ارتش باقی بماند ، مسلماً تا آخرین نفس خواهد جنگید .

این ارتش که چنین هدفی در پیش دارد ، هم در داخل صفوف خود و هم در خارج آن ، بوحدت قابل ملاحظه‌ای رسیده‌است . در داخل ارتش — میان افسران و سربازان ، میان مافوقها و مادونها ، میان کار نظامی ، کار سیاسی و کار پردازی وحدت برقرار است ؛ در خارج ارتش — میان ارتش و خلق ، میان ارتش و ارگانهای دولتی ، میان ارتش ما و ارتش‌های دوست وحدت حکمفرماست . هر چیزی را که باین وحدت زیان برساند ، باید طرد نمود .

این ارتش که چنین هدفی در پیش دارد ، در مورد جلب افسران و سربازان دشمن و رفتار با اسیران جنگی ، سیاست صحیحی بکار میبرد . این ارتش کلیه افراد ارتش دشمن را که داوطلبانه بما میپیوندند یا دست بشورش زده و بما ملحق میشوند یا اسلحه بزمین میگذارند و مایلند در مبارزه علیه دشمن مشترك شرکت جویند ، میپذیرد و آنطور که باید آنها را تربیت میکند . هیچکس مجاز نیست اسرای جنگی را بکشد یا مورد بدرفتاری و توهین قرار دهد .

این ارتش که چنین هدفی در پیش دارد ، يك سلسله اصول استراتژيك و تاکتیکی که با مقتضیات جنگ توده‌ای مطابقت دارد ، بوجود آورده و قادر است برحسب شرایط مشخص متغیر ، جنگ پارتیزانی

را با نرمش و سهارت از پیش برد و همچنین با سهارت بجنگ متحرك دست بزند .

این ارتش که چنین هدفی در پیش دارد ، آنچنان سیستم کار سیاسی بوجود آورده که برای جنگ توده‌ای لازم است و هدفش عبارتست از ترغیب مبارزه بخاطر یگانگی در صفوف خویش ، وحدت با سپاهیان دوست ، وحدت با خلق ، تلاشی واحدهای دشمن و تأمین پیروزی در نبرد .

این ارتش که چنین هدفی در پیش دارد ، در شرایط جنگ پارتیزانی قادر است که در فواصل میان عملیات جنگی و تعلیمات نظامی به کشت غلات و تهیه لوازم زندگی روزمره پردازد و در واقع نیز باین کار پرداخته است ، بطوریکه خود ارتش اکنون میتواند همه ، نصف و یا دست کم قسمتی از نیازمندیهای خویش را بر آورده سازد و از این راه بر دشواریهای اقتصادی فایق آید ، شرایط زندگی خود را بهبود بخشد و بار سنگین خلق را سبك گرداند . بعلاوه این ارتش از کلیه امکانات استفاده کرده‌است تا در نواحی پایگاههای نظامی خویش تعداد کثیری کارخانه كوچك جنگی بنیاد نهد .

این ارتش باین دلیل نیرومند است که در عملیات خویش با همکاری سازمانهای مسلح توده‌ای وسیع مانند نیروهای توده‌ای دفاع از خود و دستجات چريك توده‌ای عمل میکند . در مناطق آزاد شده چین ، زنان و مردان — از جوان تا میانسال — داوطلبانه طبق اصول دموکراتیک و بدون آنکه اشتغالات عادی خویش را رها کنند ، بصورت نیروهای توده‌ای دفاع از خود علیه ژاپن متشکل میگرددند . عناصر زبده نیروهای دفاع از خود مزبور ، باستثنای کسانی که به ارتش و به واحدهای پارتیزانی میپیوندند ، در دستجات چريك توده‌ای سازمان می‌یابند . بدون

همکاری این نیروهای مسلح توده‌ای غلبه بر دشمن غیرممکن خواهد بود. بالاخره این ارتش باین دلیل نیرومند است که از دو بخش مجزا تشکیل میشود — واحدهای عمده و واحدهای محلی. واحدهای نخستین را میتوان در هر زمان برای عملیاتی که از حدود يك منطقه خارج است، بکار انداخت؛ وظیفه واحدهای دوم فقط اینست که باتفاق دستجات چریک توده‌ای و نیروهای دفاع از خود بدفاع از منطقه خویش پردازند و یا در آنجا بر دشمن ضربه بزنند. این تقسیم وظایف را مردم از جان و دل میپذیرند. اگر باین تقسیم صحیح وظایف مبادرت نمیشد و مثلاً اگر فقط به نقش واحدهای عمده توجه میگردید و نقش واحدهای محلی از دیده فروگذارده میشد، بازهم در شرایط موجود در مناطق آزاد شده چین، غلبه بر دشمن غیرممکن بود. تعداد کثیری گروه مسلح کار از واحدهای محلی تشکیل شده‌اند که بخوبی تعلیم یافته و بدینجهت برای انجام کار نظامی، سیاسی و توده‌ای نسبتاً مناسب‌اند؛ این گروه‌ها در اعماق پشت جبهه دشمن نفوذ میکنند، بر دشمن ضربه میزنند، توده‌های خلق را علیه متجاوزان ژاپنی بر میانگیزند و باینطریق به عملیات جبهه‌ای که در مناطق آزاد شده صورت میگیرد، یاری میرسانند. آنها در تمام این موارد بموفقیت‌های بزرگی نایل آمده‌اند. تحت رهبری دولت دموکراتیک از تمام مردم ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین دعوت شده‌است که در سازمانهای کارگری، دهقانی، جوانان، زنان، سازمانهای فرهنگی، و سازمانهای حرفه‌ای و اجتماعی دیگر گرد آیند، وظایف گوناگون را که در جهت پشتیبانی از ارتش است، با شور و شوق انجام دهند. وظایف مذکور فقط باین محدود نمیشود که مردم را به ورود در ارتش، به حمل و نقل خواربار واحدها،

به معاضدت با خانواده‌های رزندگان جنگ مقاومت ، بكمك يارتش
 بخاطر غلبه بر مشکلات مادی ترغیب کنند ، بلکه شامل بسیج واحدهای
 پارتیزانی ، دستجات چريك توده‌ای و نیروهای دفاع از خود نیز
 میگردد تا آنکه آنها بتوانند بدشمن دستبرد زنند ، مین گذاری کنند ،
 مأموریت‌های اکتشافی انجام دهند ، خائنان و جاسوسان را بر اندازند ،
 زخمیان را حمل و نقل و محافظت کنند و به عملیات ارتش ككمك
 مستقیم برسانند . در عین حال ، همه مردم مناطق آزاد شده با شور
 و شوق بانواع گوناگون کارهای ساختمانی در زمینه‌های سیاسی ،
 اقتصادی ، فرهنگی و بهداشتی میپردازند . در اینجا مهم اینستکه تمام
 مردم برای کشت غلات و تهیه لوازم زندگی روزمره بسیج شوند .
 بعلاوه باید کاری کرد که کلیه ارگانهای دولتی و مدارس باستانی
 موارد خاص ، در ساعات فراغت برای رفع نیازمندیهای خود در کار
 تولیدی شرکت جویند و با جنبشی که بهمین منظور در میان خلق
 و ارتش برپا شده است ، هماهنگ شوند و در کار تولیدی که برای ادامه
 جنگ طولانی مقاومت ضرور است ، اعتلاء بزرگی پدید آورند . ویرانی‌هایی
 که دشمن در مناطق آزاد شده باعث شده ، بسیار سخت است . این
 مناطق غالباً از سیل ، خشکسالی و حشرات مضر نیز آسیب می‌بینند . اما
 کلیه اهالی مناطق آزاد شده ، تحت رهبری دولت دموکراتیک بطرز متشکل
 بر این دشواریها فایق آمده و می‌آیند . جنبش‌های بزرگ توده‌ای برای
 مبارزه با ملخ و سیل و برای ككمك به آسیب‌دیدگان موفقیت‌های بیسابقه‌ای
 حاصل کرده‌اند و این امر بما امکان داده‌است که پیگیرانه به جنگ طولانی
 مقاومت ادامه دهیم . بطور خلاصه ، همه چیز بخاطر جبهه ، همه چیز
 بخاطر پیروزی بر متجاوزان ژاپنی و بخاطر رهائی خلق چین — اینست

شعار عمومی و رهنمود سیاسی عمومی ارتش و مردم مناطق آزاد شده چین .
چنین است جنگ توده‌ای واقعی . فقط با چنین جنگ توده‌ای است
که ما می‌توانیم بر دشمن ملت پیروز شویم . گویندگان از اینجبهت دچار
شکست شده‌است که با جنگ توده‌ای مذبحخانه بمخالفت برخاسته‌است .
همینکه سپاهیان مناطق آزاد شده چین با سلاحهای مدرن مجهز
شوند ، نیرومندتر خواهند شد و خواهند توانست متجاوزان ژاپنی را بطور
قطع در هم شکنند .

دو جبهه جنگ

در جنگ مقاومت ضد ژاپنی چین از همان آغاز دو جبهه وجود
داشت : جبهه گویندگان و جبهه مناطق آزاد شده .
پس از سقوط اوهان در اکتبر ۱۹۳۸ متجاوزین ژاپنی تعرض
استراتژیک خود را علیه جبهه گویندگان متوقف ساختند و نیروهای عمده
خود را بتدریج به جبهه مناطق آزاد شده گسیل داشتند . آنها در عین حال
با استفاده از احساسات شکست‌طلبانه دولت گویندگان آمادگی خود
را برای نیل به صلح سازش‌آمیز اعلام داشتند و با اتخاذ سیاستی بمنظور
فریفتن ملت چین وان جین وی خائن را وادار کردند که چون چینگ
را ترك گوید و يك دولت پوشالی در نانکن برقرار نماید . دولت گویندگان
در این موقع به تغییر سیاست خویش پرداخت و بتدریج مرکز ثقل سیاست
خود را از مقاومت در برابر ژاپن به مبارزه با حزب کمونیست و خلق
انتقال داد . این انتقال در درجه اول در محیط نظامی بروز کرد . دولت
گویندگان برای حفظ قدرت نظامی خود ، در برابر ژاپن سیاست مقاومت
پاسیف در پیش گرفت و بار جنگ را بر دوش جبهه مناطق آزاد شده

انداخت ، و بدینقسم به تجاوزکاران ژاپنی اسکان داد که با شدت به مناطق آزاد شده حمله برند و خود "بر فراز کوه نشست و نبرد بیرها را تماشا کرد" .

در ۱۹۳۹ دولت گومیندیان « تدابیر بمنظور تحدید فعالیت احزاب بیگانه » را اتخاذ کرد که اقدامی ارتجاعی بود ، و خلق و احزاب ضد ژاپنی را از آن حقوقی که در اوایل دوران جنگ مقاومت بدست آورده بودند کاملاً محروم ساخت . از آن پس در مناطق گومیندیان ، همه احزاب دموکراتیک ، در درجه اول و قبل از همه حزب کمونیست از طرف گومیندیان غیرقانونی اعلام گردید . در هر یک از استانهای این مناطق زندانها و بازداشتگاهها از کمونیستها ، سیهنپرستان جوان و و دیگر مبارزان راه دموکراسی پر شد . در عرض پنج سال یعنی از ۱۹۳۹ تا پائیز ۱۹۴۳ دولت گومیندیان به سه "حمله خونین ضد کمونیستی" (۲) دامنه‌داری دست زد تا وحدت ملی را به پراکندگی بکشاند و بدین ترتیب بطور جدی خطر جنگ داخلی ایجاد کرد . در همین دوره بود که دستور "انحلال" ارتش چهارم جدید صادر شد و بیش از نه هزار نفر از سپاهیان این ارتش در جنوب آن هوی نابود گردیدند . این حادثه نفرت و انزجار جهانیان را برانگیخت . حملات سپاهیان گومیندیان بر مناطق آزاد شده هنوز هم قطع نشده‌است و هیچ نشانه‌ای در دست نیست که این حملات متوقف خواهند شد . در همین موقع مرتجعین گومیندیان از هیچگونه اتهام و دشنامی خودداری نورزیدند . هم آنها هستند که بمنظور بی‌اعتبار کردن حزب کمونیست چین ، ارتش هشتم ، ارتش چهارم جدید و مناطق آزاد شده عناوین و برچسب‌هایی نظیر "حزب خائن" ، "ارتش خائن" ، "مناطق خائن" ،

”تخریب در جنگ مقاومت و به مخاطره افکندن کشور“ اختراع کردند .
 کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۷ ژوئیه ۱۹۳۹ برای مقابله
 با بحران مانیفستی بیرون داد و در آن شعارهای زیر را به پیش کشید :
 ”در مقاومت پافشاری کنید و با تسلیم طلبی بمبارزه برخیزید ! “ ، ”در
 وحدت پافشاری کنید و با انشعاب بمقابله برخیزید ! “ و ”در ترقی پایداری
 کنید و با مسیر قهقرائی بمقابله برخیزید ! “ . حزب ما ظرف این پنج سال
 با فعالیت خود در زیر این شعارهای بجا و بموقع ، سه حمله خونین ضد
 کمونیستی ارتجاعی و ضد توده‌ای را بشدت دفع کرد و در هر مورد بر
 بحران فائق آمد .

طی این سالها در جبهه گومیندان در واقع هیچ نبرد جدی صورت
 نگرفت . لبه تیز تجاوز ژاپن بطور عمده متوجه مناطق آزاد شده بود .
 در ۱۹۴۳ ارتش و خلق مناطق آزاد شده ، ۶۴ درصد نیروهای مهاجم
 ژاپن را در چین و ۹۵ درصد سپاهیان پوشالی را بخود مشغول کرده
 بودند در حالی که جبهه گومیندان فقط در مقابل ۳۶ درصد نیروهای
 مهاجم ژاپن و ۵ درصد سپاهیان پوشالی قرار داشت .

در ۱۹۴۴ متجاوزین ژاپنی دست به عملیاتی زدند تا راه آهن
 سرتاسری شمالی - جنوبی چین را برای حمل و نقل بگشایند . نیروهای
 گومیندان که دچار سراسیمگی شدند بهیچوجه نتوانستند از خود مقاومتی
 نشان دهند . ظرف چند ماه سرزمینهای وسیعی در استانهای حه نان ،
 حونان ، گوان سی و گوان دون بدست دشمن افتاد . فقط در این موقع
 بود که در تناسب نیروهای دشمن درگیر در دو جبهه تغییری روی داد .
 حتی در همین موقع که من بدادن گزارش مشغولم از . ۴ لشکر که
 شاسل ۵۸۰,۰۰۰ سرباز ژاپنی در چین است (بدون سپاهیان سه استان

شمال شرقی) $۲۲۱/۲$ لشکر آن که شامل ۳۲۰,۰۰۰ نفر یعنی ۵۶ درصد کلیه نیروها است در جبهه مناطق آزاد شده درگیر است و کمتر از $۱۷۱/۲$ لشکر که شامل ۲۶۰,۰۰۰ نفر یعنی ۴۴ درصد کلیه نیروها است در جبهه گومیندان به نبرد اشتغال دارد. در تناسب نیروهای پوشالی درگیر در دو جبهه هیچ تغییری روی نداده است.

باید همچنین خاطر نشان ساخت که سپاهیان پوشالی که شماره آنها از ۸۰۰,۰۰۰ نفر متجاوز است (اعم از نیروهای منظم یا نیروهای محلی) بطور عمده مرکب‌اند یا از واحدهائی که بزیر فرماندهی افسران خود بدشمن تسلیم شده‌اند و یا از واحدهائی که افسران گومیندان پس از تسلیم خود بدشمن تشکیل داده‌اند. مرتجعین گومیندان تئوری غلط و خائنه "نجات کشور از راه غیرمستقیم" را به این سپاهیان پوشالی از پیش تزریق کرده و از همان موقع تسلیم از لحاظ معنوی و سازمانی بآنها یاری رسانیده‌اند تا همراه با متجاوزین ژاپنی به مناطق آزاد شده چین حمله برند. همین مرتجعین نیروهای وسیعی بالغ بر ۷۹۷,۰۰۰ نفر گرد آورده‌اند تا منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و سایر مناطق آزاد شده را در محاصره بگیرند و آنها را مورد حمله قرار دهند. سیاست گومیندان دائر به جلوگیری از نشر اخبار موجب گردید که بسیاری از چینی‌ها و خارجی‌ها از این وضع وخیم بی‌اطلاع بمانند.

مناطق آزاد شده چین

سکنه مناطق آزاد شده چین که در زیر رهبری حزب کمونیست قرار دارند اکنون به ۹۵,۰۰۰,۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد. این مناطق از مغولستان داخلی در شمال تا جزیره های‌نان در جنوب در همه جا یافت می‌شود.

تقریباً هر جا که دشمن گام میگذارد خود را با عملیات نظامی ارتش هشتم، ارتش چهارم جدید و پاره‌ای نیروهای توده‌ای دیگر روبرو میبیند. این سرزمینهای آزاد شده وسیع تشکیل میشود از ۱۹ منطقه عمده که قسمتهای بزرگ یا کوچکی از استانهای لیاونین، ژه‌هه، چاهار، سوی یوان، شنسی، گان سو، نین‌سیا، شان سی، حه‌به، حه‌نان، شان دون، جیان سو، جیه جیان، ان هوی، جیان سی، حو‌به، حو‌نان، گوان دون و فوجیان را دربر میگیرد. این ان مرکز رهبری تمام این مناطق آزاد شده است. منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا، واقع در مغرب رودخانه زرد، با جمعیتی که از ۱,۵۰۰,۰۰۰ بیشتر نیست فقط یکی از نوزده منطقه‌ای است که این سرزمینهای وسیع آزاد شده را تشکیل میدهند و جمعیت آن بجز منطقه‌ای در شرق استان جیه جیان و منطقه دیگری در جزیره حای نان از بقیه مناطق کمتر است. کسانی که در این امر اطلاعی ندارند تصور میکنند که سرزمین آزاد شده چین بطور عمده عبارتست از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا. این سوء تفاهم ناشی از سیاست دولت گومیندان دائر به جلوگیری از نشر اخبار است. در هر يك از مناطق آزاد شده، تمام رهنمودهای سیاسی لازم مربوط به جبهه متحد ملی ضد ژاپنی بمرحله عمل در آمده و دولت‌های توده‌ای انتخابی یعنی دولتهای ائتلافی محلی یا تشکیل شده‌اند و یا تشکیل میشوند و در این دولت‌ها، کمونیست‌ها و نمایندگان سایر احزاب ضد ژاپنی و شخصیت‌هایی که بهیچ حزبی بستگی ندارند با یکدیگر همکاری میکنند. در مناطق آزاد شده، نیروهای خلق بطور کامل بسیج شده‌اند. در نتیجه، این مناطق، علی‌رغم فشار دشمن نیرومند و محاصره و حملات نظامی گومیندان و فقدان کامل کمک از خارج، محکم بر سر پای خود ایستادند و بطور